

— حمید عطائی نظری
استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

نگرشی بر نگارش های کلامی (۸)

— نصیرالدین کاشانی و نگاشته های کلامی او

۱۲۸-۱۱۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نگرشی بر نگارش های کلامی (۸)

نصیرالدین کاشانی و نگاشته های کلامی او

حمید عطایی نظری

چکیده: نصیرالدین کاشانی (قاشی) حلّی (د: ۷۵۵ هـ. ق.) از متکلمان و منطق دانان مهم امامیه در قرون میانی است که آثار او، بویژه شروح و حواشی ارزشمندی که بر آثار کلامی و منطقی و فلسفی نگاشته است، حائز اهمیت بسیار است. با وجود این، تاکنون هیچ نوشتار شایان توجهی در شرح احوال و آثار و افکار وی نوشته نشده است. در این مقاله تلاش می شود نخست، آگاهی های پراکنده ای که در منابع مختلف در خصوص زندگانی و تحصیل و تدریس کاشانی ثبت شده است، تدوین و بازگو شود و در ادامه، آثار وی، خاصه نگاشته های کلامی او معرفی گردد.

کلید واژه: نصیرالدین کاشانی، ابن عتّاقی، حلّه، کلام فلسفی، کلام امامیه، نگاشته های کلامی.

Having a Look at the Theological Writings (8)

Nasir al-Din Kāshāni and his Theological Writings

Abstract: Nasir al-Din Kashāni (Qāshi) Helli (d: 755 AH) is one of the most important Imami theologians and logicians of the middle centuries. His works, especially his valuable explanations and annotations on theological, logical, and philosophical works, are considered to be of high importance. However, so far no significant articles have been written on his works and his thoughts. This paper first of all tries to gather the dispersed information regarding his life, education, and teaching which have been documented in various sources. Following this, his works, the theological ones in particular, are going to be introduced.

Key words: Nasir al-Din Kashāni, Ibn Atāeqi, Helle, philosophical Kalām, Imami Kalām, theological writings.

تأملات في المدونات الكلامية (۸)

نصیرالدین کاشانی ومؤلفاته الكلامية

حمید عطایی نظری

تتميز مؤلفات نصير الدين الكاشاني (القاشي) الحلّي (م ۷۵۵ هـ) أحد المتكلمين وأساتذة المنطق المهمّين لدى الشيعة الإمامية في القرون الوسطى بالأهمية الفائقة، خصوصاً شروحه وحواشيه الغنيّة على الكتب الكلامية والمنطقية والفلسفية المختلفة.

ورغم ذلك لا يجد المطالع حتّى الآن من كتب عنه مقالاً شافياً يبيّن شرح حاله وأثاره وأفكاره.

أما المقال الحالي فيبتدئ بتوثيق ما تناثر من المعلومات المتفرقة في المصادر المختلفة عن حياة الكاشاني ودراسه وتدرسه، ومن ثمّ التعريف بأثاره هذا العالم، خصوصاً آثاره الكلامية.

المفردات الأساسية: نصير الدين الكاشاني، ابن العتّاق، الحلّة، الكلام الفلسفي، كلام الإمامية، المدونات الكلامية.

____ نصیرالدین کاشانی و نگاشته های کلامی او

____ حمید عطایی نظری
استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

علی بن محمد بن علی نصیرالدین کاشانی (قاشی) حلی (د: ۷۵۵ ق) در شمار عالمان امامی نامور حله قرار دارد که در علوم مختلفی همچون کلام و منطق و فلسفه و فقه تبحر داشته است. فاضل مقدار او را با القاب «سلطان المحققین وارث الأنبياء والمرسلین نصیر الملة والحق والدين علی بن محمد القاشی» ستوده است^۱ و قاضی نورالله شوشتری در وصفش گفته: «به دقت طبع و حدت فهم، گوی مسابقت از حکمای عصر و فقهای دهر ر بوده»^۲. با وجود آثار ارزشمندی که وی از خود به یادگار گذاشته، تاکنون نگاشته ای درخور و شایان توجه در معرفی او و آثارش تحریر نشده است. از این رو برآنیم در این نوشتار آگاهی های پراکنده ای را که در خصوص کاشانی در منابع مختلف آمده است، تدوین و ارائه نماییم.

گویا نخستین سرگذشت نامه به نسبت مبسوط از نصیرالدین کاشانی را قاضی نورالله شوشتری (شهادت: ۱۰۱۹ق) در مجالس المؤمنین نگاشته است^۳ و پس از او بسیاری از منابع بعدی، به طور عمده، همان مطالبی را که قاضی درباره کاشانی آورده است، بازگو نموده اند.^۴ اطلاعاتی که مرحوم سیدمحمسن امین در اعیان الشیعة^۵ و شیخ آقابزرگ طهرانی در طبقات^۶ درباره وی آورده اند نیز در جای خود سودمند و قابل توجه است.

قاضی نورالله در باب محل ولادت نصیرالدین کاشانی آورده است:

مولد شریفش دارالایمان کاشان است و در دارالمؤمنین حله نشو نما یافته [...] و همواره در حله و بغداد به افاده علوم دینی و معارف یقین اشتغال می نمود.^۷

اما عمادالدین یحیی بن احمد کاشی که معاصر، و به نوعی، معاصر با نصیرالدین کاشی بوده - برخلاف نقل قاضی - وی را «الجللی مولداً الکاشی محتداً»^۸ یعنی: زاده حله و دارنده اصل و نسبی «کاشانی» معرفی کرده است:

قال المولى العلامة سلطان أفاضل عصره وبرهان فضلاء دهره جامع علوم الأولین والأخرین عماد الملة والدين یحیی الكاشی - أدام الله میامن أنفاسه - : لَمَا تَفَضَّلَ عَلِيٌّ وَتَكْرَمَ مَوْلَانَا الْأَعْظَمُ سُلْطَانُ أَفْضَلِ الْمُحَقِّقِينَ قَدْوَةَ الْعُلَمَاءِ الرَّاسِخِينَ أَفْضَلِ الْمُتَأَخِّرِينَ مُسْتَخْرَجِ

۱. سیوری، فاضل مقدار، إرشاد الطالبین إلى نهج المسترشدين، ص ۱۷۷.

۲. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، ج ۴، ص ۵۳۲.

۳. همان، ج ۴، ص ۵۳۲-۵۳۴.

۴. برای نمونه نگرید به: افندی اصفهانی، مولى عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، ص ۱۸۰-۱۸۲؛ خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات في أحوال العلماء و السادات، ج ۴، ص ۳۲۳-۳۲۴؛ مدرس تبریزی، محمدعلی، ریحانة الأدب، ج ۶، ص ۱۸۸-۱۸۹؛ قمی، نوری طبرسی، میرزاحسین، خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۲۳-۳۲۴؛ عباس، الکنی والألقاب، ص ۷۱۴-۷۱۵؛ صدر، حسن، تکملة أمل الأمل، ج ۴، ص ۱۰۱-۱۰۲.

۵. امین، سیدمحمسن، أعیان الشیعة، ج ۸، ص ۳۰۹.

۶. طهرانی، شیخ آقابزرگ، طبقات أعلام الشیعة، ج ۵، ص ۱۴۹.

۷. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، ج ۴، ص ۵۳۲.

۸. کلمه «محتد» به معنای اصل و نسب است: «المحتد: الأصل». المعجم الوسيط، ص ۱۵۴. نیز نگرید: فرهنگ معین، ج ۳، ص ۳۸۹۴.

الدقائق الأیّبة مستنبط الحقائق العلیّة صاحب الذهن الثاقب المؤید بالفکر الصائب
نصیرالملّة والذین حجّة الإسلام والمسلمین الحلّی مولداً الکاشی محتداً- متع الله
المسلمین بطول بقائه.^۹

به هر حال ظاهراً نصیرالدین کاشی عمدهٔ مراحل تحصیل و تدریس خود را در جلّه گذرانده بوده است و شاگردان او هم عمدتاً در همین شهر از محضرش استفاده کرده‌اند و به همین سبب نیز به «حلّی» مشهور گشته است. براین اساس باید نصیرالدین کاشی را از عالمان امامی مکتب جلّه در قرون میانی به حساب آورد و آثار او را در چارچوب همین مکتب ارزیابی نمود. مطالعهٔ آثار کلامی وی هم نشان می‌دهد که نگاشته‌های کلامی کاشی در همان قالب مکتب کلام فلسفی جلّه و به سبک و سیاق مکتوبات کلامی خواجه نصیرالدین طوسی و علامهٔ حلّی به نگارش درآمده است.

پدر نصیرالدین کاشانی فقیه جلیل «شیخ جمال‌الدین أبوجعفر محمد بن علی قاشی» بوده که در زمرهٔ شاگردان و راویان محقق حلّی (د: ۶۷۶ق) قرار داشته است.^{۱۰} شیخ حسن فرزند شهید ثانی در اجازهٔ کبیرهٔ خود به سید نجم‌الدین بن سید محمد حسینی خاطر نشان کرده مکتوبی را از شهید اول دیده که در آن تصریح نموده: جمال‌الدین أبوجعفر محمد بن علی قاشی پدر شیخ ما نصیرالدین قاشی دو کتاب نهاییه و جمل [نوشتهٔ شیخ طوسی] را در سال ۷۶۹ [کذا]^{۱۱} از محقق حلّی روایت کرده است:

ووجدت بخطه فی موضع آخر ما هذا نصه: یروی الشیخ جمال‌الدین أبوجعفر محمد بن علی القاشی والد شیخنا نصیرالحق والدین علی بن محمد القاشی قدس الله روحیهما النهایة والجمل قراءة علی الشیخ العلامة نجم‌الدین أبی القاسم بن سعید سنة تسع وستین وسبعمائة عنه عن السید مجد‌الدین علی بن الحسن بن ابراهیم بن علی بن جعفر ابن محمد بن علی بن الحسن بن عیسی بن محمد بن عیسی بن محمد بن علی العریضی ابن جعفر الصادق علیه السلام عن الحسین بن رطبة، عن أبی علی، عن والده المصنف.^{۱۲}

در خصوص استادان نصیرالدین کاشی آگاهی چندانی در دست نیست. در برخی منابع تنها از «جلال‌الدین جعفر بن علی بن صاحب دارالصخر حسینی» به عنوان شیخ روایت و استاد او یاد کرده‌اند.^{۱۳}

نصیرالدین قاشی شاگردان برجسته‌ای نیز داشته است که از میان آنها باید اشاره کرد به: سید حیدر آملی (د: ۷۸۷ق) و شمس‌الدین محمد بن صدقه حلّی و عبدالرحمن بن محمد بن ابراهیم عتائی حلّی (زنده در: ۷۹۰ق). همچنین سید جلال‌الدین ابوالعزّ عبدالله بن شرف‌الدین شرف‌شاه علوی حسینی^{۱۴} (متوفای حدود

۹. عبارات یادشده بخشی از خطبهٔ عمادالدین یحیی بن احمد کاشی در آغاز شرحی است که بر رسالهٔ النکات نصیرالدین کاشانی نگاشته است. این اثر هنوز منتشر نشده است، ولی برای متن این خطبه نگاه کنید به: یادداشت زیر از آقای دکتر حسن انصاری در:

<http://ansari.kateban.com/post/2015>

۱۰. «الشیخ جمال‌الدین أبوجعفر محمد بن علی القاشی». فاضل [جلیل، بروی عن المحقق]. حُرّ عاملی، أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۸۹. ۱۱. تاریخ ۷۶۹ که در منقول از خط شهید اول در اینجا آمده است قطعاً نادرست است؛ زیرا محقق حلّی و پدر نصیرالدین کاشی و خود کاشی مدت‌ها پیش از این تاریخ از دنیا رفته بوده‌اند. به احتمال زیاد در اینجا تصحیفی اتفاق افتاده است یا اینکه این تاریخ مربوط به زمان روایت از محقق حلّی نبوده، بلکه ناظر به امر دیگری است.

۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، ج ۱۰۶، ص ۳۶.

۱۳. نوری، میرزا حسین، خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۲۴؛ طهرانی، شیخ آقابزرگ، طبقات اعلام الشیعة، ج ۵، ص ۱۴۹. ۱۴. درباره‌ی این منابع حدیث زیر از طریق شرف‌شاه حسینی به نقل از نصیرالدین کاشی روایت شده است: «وحدثني المولى العالم الواعظ، ووجه الدين، عبد الله بن المولى، علاء الدين فتح الله بن عبد الملك بن فتحان الواعظ القمي الأصل القاشاني المسكن، عن جده عبد الملك، عن الشيخ الكامل العلامة خاتمة المجتهدين أبو العباس، أحمد بن فهد قال: حدثني المولى السعيد العلامة أبو العز جلال الدين عبد الله بن السعيد المرحوم شرف شاه الحسيني. رضي الله عنه. قال: حدثني شيعي الامام العلامة مولانا نصير الدين علي بن محمد القاشي - قدس الله - نفسه، قال: حدثني السيد جلال الدين بن دار الصخر قال: حدثني الشيخ الفقيه (نجم الدين، أبو القاسم بن سعید قال: حدثني الشيخ الفقيه) مفيد الدين، محمد بن الجهم قال: حدثني المعمر السنبسي، قال: سمعت من مولاي أبي محمد الحسن العسكري عليه وعلى آبائه وولده أفضل

علی بن محمد بن علی
نصیرالدین کاشانی (قاشی)
حلّی (د: ۷۵۵ ق) در شمار
عالمان امامی نامور جلّه قرار
دارد که در علوم مختلفی
همچون کلام و منطق و فلسفه
و فقه تبحر داشته است.

نگاشته‌های کلامی کاشی
در همان قالب مکتب
کلام فلسفی جلّه و به
سبک و سیاق مکتوبات
کلامی خواجه نصیرالدین
طوسی و علامهٔ حلّی به
نگارش درآمده است.

رساله التکات مشتمل بر ذکر حدود پنجاه نکته و مسئله در مباحث مربوط به منطق و کلام و فلسفه است و تبحر کاشانی را در علوم نامبرده نشان می‌دهد.

موصول الطالبین مبسوط‌ترین نگاشته کلامی در دسترس از کاشی است و از این رو مأخذی ارزشمند برای آشنایی با دیدگاه‌های کلامی او و مهارت وی در این علم به شمار می‌آید.

۸۱۰ (ق) و ابو عبدالله محمد بن القاسم بن مُعَیَّة بن سعید حسنی دیباجی، معروف به سید تاج‌الدین بن مُعَیَّة (د: ۷۷۶ ق)^{۱۵} - نقیب و نَسَابَه بسیار برجسته و استاد شهید اول و ابن عنبه - به روایت از او می‌پرداخته‌اند. ^{۱۶} بر اساس گواهی ابن عتائقی^{۱۷} و نیز طبق آنچه جُبَاعی در مجموعه خود به نقل از شهید اول آورده است،^{۱۸} نصیرالدین کاشی در ۱۰ رجب سال ۷۵۵ هجری قمری در نجف از دنیا رفته است. ^{۱۹} بنابراین تاریخ ۷۷۵ یا ۷۷۷ که در برخی منابع^{۲۰} برای وفات او معرفی شده است صحیح نیست. همچنین با توجه به حکایتی که سید خیدر اُمَلی از وی در حدود هشتادسالگی اش نقل کرده است،^{۲۱} حدس زده می‌شود که ولادت کاشی در حدود هشتاد سال پیش از سال ۷۵۵ یعنی در حوالی سال ۶۷۵ هجری قمری بوده باشد.

نصیرالدین کاشانی آثار گرانسنگی خاصه در علم کلام و دانش منطق نگاشته بوده است که هم‌اکنون پاره‌ای از آنها باقی مانده است. آثاری که در منابع مختلف به کاشانی نسبت داده شده عبارت است از:

۱. التکات فی مسائل امتحانیة فی علمی المنطق و الکلام

این رساله مشتمل بر ذکر حدود پنجاه نکته و مسئله در مباحث مربوط به منطق و کلام و فلسفه است و تبحر کاشی را در علوم نامبرده نشان می‌دهد. نصیرالدین کاشانی این رساله را به درخواست عمادالدین یحیی بن احمد کاشانی^{۲۲} - که نصیرالدین از او با عنوان (الإمام بن الإمام یحیی) یاد کرده - نگاشته^{۲۳} و به همونیز تقدیم کرده است. عمادالدین هم در همان زمان حیات نصیرالدین بر این رساله شرحی نگاشته است. دست‌نوشتی از این شرح هم‌اکنون در کتابخانه سلیمانیه ترکیه (بغدادلی وهبی افندی، شماره ۸۲۸) موجود است.

نسخه‌ای از التکات فی مسائل امتحانیة فی علمی المنطق و الکلام به خط شاگرد کاشی، ابن عتائقی حلی، متعلق به خزانه عرویه هم‌اکنون در کتابخانه روضه حیدریه به شماره ۶۷۰ نگهداری می‌شود.^{۲۴} ابن عتائقی کتابت این اثر را در ذی الحجه سال ۷۵۲ هجری قمری به پایان برده و بر آن پاره‌ای حواشی کوتاه نیز نگاشته است. رساله التکات تاکنون چاپ نشده است، ولی بنا به اظهاراتی قرار است این اثر ارزشمند به زودی از

۱۵. الصلاة والسلام يقول: أحسن ظنك ولو بحجر يطرح الله فيه سزه، فتناول نصيبك منه، فقلت: يا بن رسول الله ولو بحجر؟ فقال: ألا تنظرون إلى الحجر الأسود. (الأحسانی، ابن ابی جمهور، عوالی اللثالی، ج ۱، ص ۲۴).

۱۶. برای آگاهی بیشتر در باب او نگرید به: صدر، سید حسن، تکملة أمل الأمل، ج ۵، ص ۸۴، ۸۷؛ حلی، حازم، النحلة و أثرها العلمی و الأدبی، ص ۴۱۴-۴۱۹.

۱۷. طهرانی، شیخ آقابزرگ، طبقات أعلام الشيعة، ج ۵، ص ۱۴۹. شیخ خزاعلی در أمل الأمل، ج ۲، ص ۲۰۲ خاطر نشان کرده که ابن مُعَیَّة از کاشانی با عنوان «الإمام العلامة أوحده عصره» یاد می‌کرده است: «الشیخ نصیرالدین علی بن محمد بن علی القاشی. عالم فاضل، روی عنه ابن معیة و قال عند ذکرة: الإمام العلامة أوحده عصره».

۱۸. در پشت نسخه‌ای که ابن عتائقی از رساله التکات کاشی به خط خود کتابت کرده و در سال ۷۵۲ هجری قمری از آن فارغ شده است، به خط همومکتوب است: «توفی مولانا و شیخنا المولی القدوة القبلة سلطان الفقهاء و العلماء و المتکلمین نصیر الملة و الحق و الدین مصنف هذا الکتاب. طاب نراه و جعل الجنة مقامه و ماواه. عاش رجب سنة ۷۵۵ هجرية». نگرید به: امین، سید محسن، أعيان الشيعة، ج ۸، ص ۳۰۹.

۱۹. توفی الشیخ الإمام العلامة المحقق استاذ الفیاض نصیرالدین علی بن محمد القاشی بالمشهد المقدس الغروی عاش رجب سنة خمس و خمسين و سبع مائة. (جُبَاعی، شمس الدین محمّد بن علی بن حسن، المجموعة، نسخه کتابخانه ملی ملک شماره ۶۰۴، ص ۲۶۱).

۲۰. طهرانی، شیخ آقابزرگ، طبقات أعلام الشيعة، ج ۵، ص ۱۴۹.

۲۱. نعمه، شیخ عبدالله، فلاسفة شیعه، ص ۵۱۴.

۲۲. و منهم الإمام العالم و الحکیم الفاضل نصیر الدین الکاشی - قدس الله سزه - . فإني سمعتُ منه مراراً كثيرة هذا الکلام بعینه، و هو أنه يقول: نهاية ما قد علمتُ في مدة ثمانين سنة، هو أن هذا المصنوع محتاج إلى صانع. و مع ذلك، فتیقن عجائز الکوفة أكثر من تیقني في هذا الباب! عليكم بالعمل الصالح و طريقة الأئمة المعصومين - عليهم السلام - فإن غير هذا هوئ و وسوسة، و ليس ماله إلا إلى الحسرة و الندامة. (أملی، سید خیدر، جامع الأسرار و منبع الأنوار، ص ۴۹۶).

۲۳. درباره عمادالدین یحیی بن احمد کاشی و تشیع وی نگاه کنید به یادداشت پیش‌گفته در: <http://ansari.kateban.com/post/2015>

۲۴. له کتاب التکات فی مسائل امتحانیة فی علمی المنطق و الکلام، صنفه لعماد الملة و الدین یحیی. (امین، سید محسن، أعيان الشيعة، ج ۸، ص ۳۰۹).

۲۵. ترقیمه این نسخه بدین شرح است: «علیها العبد الفقیر الی الغنی الضعیف الی القوی عبدالرحمن بن محمد العتائقی، غرة ذی الحجة سنة اثنتين و خمسين و سبع مائة هجرية بالمشهد الشريف الغروی صلوات الله علی مشرفه و علی أولاده الأئمة المعصومين اجمعين».

سوی عتبه علویّه در نجف اشرف منتشر شود.

۲. موصل الطالبین الی شرح نهج المُسترشدين

این اثر شرحی است تعلیق‌گونه بر رساله کلامی پیرایج نهج المسترشدين فی اصول‌الدین از علامه حلی (د: ۷۲۶ق). نویسنده در این شرح، در هر قسمت، پس از ذکر کلمه یا عبارتی از متن نهج المسترشدين به توضیح و تشریح معانی و مطالب مربوط به آن پرداخته است. ظاهراً در کتب تراجم، تا آنجا که بررسی شد، از این اثر در زمره آثار نصیرالدین کاشی هیچ یاد نشده است. در مکتوبات کلامی امامیه هم گویا یادکردی از این کتاب نشده و هیچ ارجاع آشکاری به آن صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد که این اثر در میان عالمان امامی چندان شناخته شده نبوده است. با این وصف تاکنون دست‌کم چهار نسخه از موصل الطالبین شناسایی شده است که در دو دست‌نوشت از آنها (نسخه کتابخانه ملک و نسخه شماره ۱۴۶۶۲ کتابخانه آستان قدس رضوی) به صراحت نگارش این اثر به نصیرالدین کاشانی نسبت داده شده است. بنابراین شکی در انتساب این اثر به نصیرالدین کاشی نیست.

موصل الطالبین میسوطرین نگاشته کلامی در دسترس از کاشی است و از این رو مأخذی ارزشمند برای آشنایی با دیدگاه‌های کلامی او و مهارت وی در این علم به شمار می‌آید. متأسفانه این اثر تاکنون به چاپ نرسیده است، لیک به تصحیح و انتشار قریب‌الوقوع آن بشارت داده شده است. در مقاله‌ای دیگر به توصیف افزون‌تر موصل الطالبین و نیز چهار دست‌نوشت یاد شده از آن پرداخته‌ام که طالبان آگاهی بیشتر در این زمینه را بدان ارجاع می‌دهم.^{۲۵}

۳. حاشیه بر معارج الفهم فی شرح النظم

چنان‌که از عنوان یاد شده پیداست این اثر مجموعه‌ای است از حواشی نصیرالدین کاشانی بر کتاب کلامی ارزشمند معارج الفهم فی شرح النظم تألیف علامه حلی.^{۲۶} حواشی مزبور به صورت مستقل نگارش و تدوین نیافته است و تنها در حاشیه برخی از نسخه‌های معارج الفهم کتابت شده است. این حواشی در طبع آستان قدس رضوی از معارج الفهم به چاپ رسیده است،^{۲۷} البته بی‌آنکه تصریح شود صاحب حواشی، نصیرالدین کاشی است. حاشیه‌نگاری کاشی بر معارج الفهم حاکی از اهمیت این اثر نزد

۲۵. نگریده به: مقاله راقم این سطور با عنوان «دست‌نوشته تازه‌یاب از موصل الطالبین نصیرالدین کاشانی» که در ادامه همین مقاله در مجله آینه پژوهش به چاپ رسیده است.

۲۶. طباطبایی، سید عبدالعزیز، مکتبه العلامة الحلی، ص ۱۹۰؛ معجم طبقات المتکلمین، ج ۳، ص ۱۲۲؛ معجم التراث الکلامی، ج ۳، ص ۶۱.

۲۷. حلی، حسن بن یوسف، معارج الفهم فی شرح النظم، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۳۸۸ ش.

وی و نشانگر جایگاه ممتاز این اثر در میان سایر آثار کلامی علامه حلی است. بررسی حواشی کاشی، برای پی‌بردن به باریک‌بینی‌ها و ظرافت‌های فکری او سودمند و لازم است.

۴. حاشیه تسدید القواعد فی شرح تجرید العقائد

نصیرالدین کاشانی بر شرح تجرید الاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی که به قلم شمس‌الدین محمود اصفهانی (د: ۷۴۹ق) نوشته شده و به تسدید القواعد (تسدید القواعد) موسوم و به «شرح قدیم» مشهور گشته است، حواشی ارزشمندی نگاشته. قاضی نورالله شوشتری در وصف این حواشی گفته است:

از جمله مصنفات او حاشیه شرح تجرید اصفهانی است که مشتمل بر اعلی مراتب تدقیق است و فی الحقیقه ماده حاشیه‌ای که میرسد شریف بعد از آن بر آن شرح نوشته، همان است.^{۲۸}

قاضی همچنین خاطر نشان کرده که کاشی در حواشی خود در بحث امامت تجرید به دفع ایرادات اصفهانی پرداخته است و چون قوشچی، صاحب شرح تجرید جدید، قادر بر رد سخنان کاشی نبوده، در این مبحث از نقل ایرادات اصفهانی و پاسخ‌های کاشی پرهیز کرده است.^{۲۹}

این حواشی به چاپ نرسیده است و در حال حاضر راقم این سطور نسخه‌ای از آن نمی‌شناسد.

۵. شرح طوابع الأنوار

کتاب طوابع الأنوار نوشته قاضی ناصرالدین بیضاوی (د: ۶۸۵ق) یکی از مهم‌ترین آثار کلامی اشاعره در دوره میانی است که شروح و حواشی متعددی هم بر آن نوشته شده است. نصیرالدین کاشانی نیز شرحی برای این اثر نگاشته بوده است که حاکی از آشنایی عمیق وی با کلام اشاعره است. قاضی نورالله شوشتری درباره این شرح می‌گوید:

ویکی دیگر از مصنفات شریفه آن تحریر مدقق، شرح طوابع قاضی بیضاوی است و در آنجا سخنان به‌رتبه^{۳۰} دارد.^{۳۱}

۲۸. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، ج ۴، ص ۵۳۲.

۲۹. همان، ص ۵۳۲، ۵۳۳. نیز نگریده به: طهرانی، شیخ آقابزرگ، الذریعة، ج ۶، ص ۱۱۸.

۳۰. اصطلاح «به‌رتبه» ظاهراً به معنای «مطالب عالی» است. میرزا عبدالله افندی که در بیان سرگذشت نصیرالدین کاشانی عمدتاً مطالب قاضی نورالله در مجالس المؤمنین را در کتاب خودش برگردان و بازگو کرده است، اصطلاح «به‌رتبه» را به «مطالب جلیل» ترجمه کرده است: «و من مؤلفات هذا المولی أيضا شرح طوابع القاضي البيضاوي، وأورد مطالب جلیلة». (افندی اصفهانی، مولى عبدالله، رياض العلماء و حياض الفضلاء، ج ۴، ص ۱۸۱).

۳۱. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، ج ۴، ص ۵۳۳.

شیخ آقابزرگ طهرانی نسخه‌ای از این شرح را که در زمرة نسخ خطی در تملک جلال‌الدین شرفشاه حسینی - شاگرد نصیرالدین کاشی - قرار داشته است، در ضمن نسخ خطی خزانه غزویه دیده بوده و از وجود نسخه‌ای دیگر از این شرح در کتابخانه آستان قدس رضوی خبر داده است.^{۳۲} با وجود این در فهرست فنخاهیچ نسخه‌ای از شرح طوابع الأنوار نصیرالدین کاشی معرفی نشده است.^{۳۳} صاحب ریحانة الأدب به جای شرح طوابع الأنوار از حاشیة نصیرالدین کاشی بر شرح اصفهانی بر طوابع الأنوار موسوم به مطالع الأنظار سخن گفته است^{۳۴} که البته با گزارش دیگر منابع از جمله مجالس المؤمنین ناسازگار است و احتمالاً سهوی است که بر قلم او رفته.

نسخه‌ای از یک شرح دیگر بر طوابع الأنوار قاضی بیضاوی در خزانه غزویه به شماره ۹۹۸ هم اکنون موجود است که نویسنده آن ظاهراً عالمی امامی همعصر نصیرالدین کاشی است. متأسفانه چون نسخه از آغاز و انجام افتادگی دارد نام شرح و اسم شارح و کاتب آن مشخص نیست. نویسنده در یک موضع، ذکر خیری از کاشی کرده است که نقل آن در اینجا خالی از لطف نیست. در مبحث نفی اتحاد خداوند با دیگر اشیاء - که در زمرة صفات سلبيه خداوند مورد بحث قرار می‌گیرد - برهانی معروف اقامه شده است که در بیشتر کتب فلسفی و کلامی مسطور است و مقبول متکلمان نیز قرار گرفته. شارح مزبور، بر این برهان اشکالی وارد کرده است که آن را حاصل ذوق خویش و لطف خداوند بر خودش دانسته. سپس خاطر نشان کرده که این اشکال را «کاشی» از او شنیده و [احتمالاً بدون یادکرد از صاحب آن] در بعضی از تصانیفش ذکر کرده است:

أقول: البحث الثالث في نفي اتحاد الله - تعالى - بغيره ونفي حلوله في غيره. أما الأول، أي: نفي الاتحاد فلائته - تعالى - لو اتحد بغيره فإن بقيا موجودين فهما بعد إثنان لا واحد وإن لم يبقيا موجودين لم يتحد أيضاً لأنه إن عدم كل منهما وجد ثالث فظاهر وإن عدم أحدهما وبقي الآخر فكذلك؛ لأن المعدوم لا يتحد بالموجود وفيه نظر؛ لأن المراد بقوله: «المتحدان بعد

۳۲. ۱۳۶۱: شرح الطوابع تصنیف البیضاوی، للشیخ علی بن محمد المعروف بنصیر الدین القاشانی الحلبي، معاصر العلامة الحلبي والمتوفى كما عن خط الشهيد الأول سنة ۷۵۵هـ رأيت في (الخزانة الغروية) وهو من متروكة جلال الدين عبدالله بن شرف شاه وقف سنة ۸۱۰هـ ونسخة منه في (المكتبة الرضوية) بخراسان. «طهرانی، شیخ آقابزرگ، الذریعة، ج ۱۳، ص ۳۶۵».

۳۳. نگرید به: فهرست فنخا، ج ۲۰، ص ۹۱-۹۵.

۳۴. مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانة الأدب، ج ۶، ص ۱۸۹: «حاشیة نصیرالدین هم همین مطالع الأنظار می باشد».

الاتحاد إن بقيا موجودين أولاً» هو: أن ماهيتهما موجودة أم لا فتحتاج (؟) ذلك قوله: «فهما بعد إثنان لا واحد» قلنا: لا يلزم ذلك وإنما يلزم ذلك إن كان تشخص كل منهما باقياً وهو ممنوع أو أن تشخص كل منهما باق أم؟ (متجدد؟) لأن تشخصهما غير باق ولا يلزم من ذلك عدم كل منهما وجود ثالث وإنما يلزم ذلك ان لولم يكن ماهية كل منهما باقية وهذا السؤال من نتائج قريحه [كذا: قريحته] والذي اسبغ الله علي وقد سمع منه الكاشي وأثبه في بعض تصانيفه. (برگ ۳ ب)

به احتمال زیاد منظور از «کاشی» همان نصیرالدین کاشی است؛ چراکه اشکال پیش گفته (با اندکی تفاوت در تعبیر) در حاشیة وی بر معارج الفهم علامه حلّی مشاهده می‌شود:

قلت: إنما يكونان اثنين أن لولم تتحد التعینان أيضاً والوجودان، لكنّه ممنوع.^{۳۵}

چنان‌که گفتیم شرح‌نگاری کاشی بر طوابع الأنوار بیضاوی حکایت از تبحر وی در کلام اشاعره دارد. این امر از طریق دیگری نیز قابل تأیید است. بر اساس گزارش‌ها، نصیرالدین کاشانی به تدریس دیگر کتاب مهم بیضاوی در کلام اشعری یعنی مصباح الأرواح اشتغال داشته و شمس‌الدین محمد بن صدقه حلّی این کتاب را به طور کامل نزد او خوانده بوده است. در پشت نسخه‌ای از مصباح الأرواح که در خزانه غزویه موجود بوده یک گواهی قرائت به خط نصیرالدین کاشانی به این مضمون نوشته شده که شمس‌الدین محمد بن صدقه حلّی کل این کتاب را در طی مجالسی - که آخرین آنها در تاریخ پنجم جمادی الأولى سال ۷۲۵ هجری قمری بوده - نزد وی خوانده است:

وجد علی ظهر کتاب مصباح الأرواح تصنیف ناصرالدین عبدالله بن عمر البیضاوی الموجود منه نسخة في الخزانة الغروية ما صورته: وجدت انها بخط مولانا الأعظم الامام المعظم نصیر الملة والحق والدين القاشي أدام الله أيامه انهى قراءة هذا الكتاب من اوله إلى اخره ويحثه وتفحص عن مشكلاته وتحقق معضلاته الأخ في الله الشيخ الصالح الفقيه العالم شمس الدين محمد بن صدقة نفع الله به وبأمثاله وأوصله إلى رتب كماله في مجالس آخرها خامس جمادي الأولى سنة ۷۲۵ وكتب أفقر العباد إلى

۳۵. حلّی، حسن بن یوسف، معارج الفهم، ص ۳۱۴، پ ۸.

الله تعالی علی بن محمد القاشی عرفه الله عیوب نفسه وجعل یومه خیراله من أمله حامداً
مصلیاً مسلماً.^{۳۶}

۶. حاشیه شرح شمسیه

کتاب شمسیه از نجم‌الدین کاتبی قزوینی (د: ۶۷۵ق) و شرح آن از قطب‌الدین رازی (د: ۷۶۶ق) با عنوان
تحریر القواعد المنطقیة در زمره آثار منطقی مشهور و پراچ در دوره میانی اسلامی قرار دارد. کاشی پاره‌ای
حواشی بر این شرح نگاشته است. قاضی نورالله در باب حواشی کاشانی بر شرح شمسیه اظهار داشته
است که:

مجزذ اعتراضات و تدقیقات است و سید المحققین^{۳۷}. قدس سره الشریف. در حاشیه خود
متصدی دفع بعضی از آن گردیده.^{۳۸}

از وجود این حواشی نیز هم‌اینک اطلاع خاصی در دسترس نیست.

۷. تعلیقات بر (حواشی) شرح اشارات

قاضی نورالله در زمره آثار کاشی از تعلیقات او بر شرح اشارات یاد کرده است:

و حواشی کنار کتابی^{۳۹} بر شرح اشارات نیز دارد.^{۴۰}

منظور از شرح اشارات همان شرح خواجه نصیرالدین طوسی بر اشارات و تنبیهات ابن سینا است، اما میرزا
عبدالله اصفهانی از این اثر زیر عنوان تعلیقات بر حواشی شرح اشارات یاد کرده است: «وله ایضا تعلیقات
علی هوامش شرح الاشارات»^{۴۱} که با آنچه قاضی نقل کرده تفاوت دارد. مرحوم سیدحسن صدر نیز همچون
قاضی نورالله از این نگاشته با عنوان «التعلیقات علی شرح الاشارات» نام برده است.^{۴۲} شیخ آقابزرگ نیز از
اثر مورد گفت‌وگو در ذیل حواشی نگاشته شده بر شرح اشارات خواجه نصیرالدین طوسی یاد کرده است.^{۴۳} از
این تعلیقات اطلاع بیشتری در دست نیست.

۸. رساله در بیان اعتراضات بر تعریف طهارت در کتاب قواعد الأحکام

این اثر ظاهراً یگانه نوشته نصیرالدین کاشانی در علم فقه بوده است. چنان‌که از عنوان رساله برمی‌آید،
کاشی بر تعریفی که علامه حلی در کتاب قواعد الأحکام از طهارت ارائه کرده است اعتراضاتی داشته که
آنها را در این رساله تحریر نموده. بنا به گزارش قاضی نورالله این رساله مشتمل بر بیست ایراد بر تعریف
طهارت است و از شهرت و تداول برخوردار بوده است:

رسالة لطیفه مشتمل بر بیست اعتراض که بر تعریف طهارت از کتاب قواعد الأحکام نموده،
متداول و مشهور است.^{۴۴}

از این رساله نیز گویا تاکنون نسخه‌ای شناخته نشده است و احتمالاً از میان رفته است، اما شهید اول

۳۶. امین، سیدمحسن، أعیان الشیعة، ج ۹، ص ۳۷۴.

۳۷. یعنی میرسید شریف جرجانی.

۳۸. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، ج ۴، ص ۵۳۳.

۳۹. اصطلاح «کنار کتابی» نشانگر آن است که این حواشی به صورت مستقل نوشته و مدون نشده نبوده است.

۴۰. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، ج ۴، ص ۵۳۳.

۴۱. افندی اصفهانی، مولی عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، ص ۱۸۱. ذکر اثر یادشده بدین شکل (تعلیقات علی هوامش شرح
الاشارات) در منابع دیگر نیز راه یافته است. برای نمونه نگرید به: سبحانی و دیگران، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۸، ص ۱۶۰؛ معجم طبقات
المتکلمین، ج ۳، ص ۱۳۲؛ کناله، عمر رضا، معجم المؤلفین، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۶ق، ج ۷، ص ۲۱۹.

۴۲. نگرید به: صدر، حسن، تکملة أمل الأمل، ج ۴، ص ۱۰۲.

۴۳. طهرانی، شیخ آقابزرگ، الذریعة، ج ۶، ص ۱۱۲.

۴۴. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، ج ۴، ص ۵۳۳.

کتاب طوابع الأنوار نوشته
قاضی ناصرالدین بیضاوی
(د: ۶۸۵ق) یکی از مهم‌ترین
آثار کلامی اشاعره در دوره
میانی است که شروح و
حواشی متعددی هم بر
آن نوشته شده است.
نصیرالدین کاشانی نیز شرحی
بر این اثر نگاشته بوده است
که حاکی از آشنایی عمیق
وی با کلام اشاعره است.

کتاب شمسیه از نجمه کاتبی
قزوینی (د: ۶۷۵ق) و شرح
آن از قطب‌الدین رازی
(د: ۷۶۶ق) با عنوان تحریر
القواعد المنطقیة در زمره
آثار منطقی مشهور و پراچ
در دوره میانی اسلامی قرار
دارد. کاشی پاره‌ای حواشی
بر این شرح نگاشته است.

در کتاب غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد^{۴۵} خلاصه و اراء اعتراضات بیست گانه کاشانی را در قالب هفده اشکال نقل کرده و در مقام پاسخگویی از آنها نیز برآمده است. شهید ثانی در کتاب حاشیه بر قواعد الأحکام موسوم به فوائد القواعد ایرادات کاشانی را به غایت نیکو شمرده و پاسخ های شهید اول به آنها را غالباً متکلفانه ارزیابی کرده است.^{۴۶} او به یکایک اعتراضات کاشانی بر تعریف علامه حلی از طهارت اشاره کرده و پس از آن پاسخ های شهید اول به اعتراضات مزبور را بازگو کرده و سپس اشکالات خویش بر این پاسخ ها را طرح کرده است. افزون بر این، ایرادات دیگری را هم بر آن تعریف وارد کرده است.^{۴۷}

۹. تعریب زبده الإدراک فی علم الأفلاک

این اثر ترجمه عربی رساله زبده الإدراکِ خواجه نصیرالدین طوسی در علم هیأت به قلم نصیرالدین کاشانی است. ابن عتائق شرحی بر این تعریب با عنوان الشُّهَدَة فی شرح تعریب الزُّبْدَة نگاشته است که بنا به تصریح خودش کتابت آن را در ۱۲ ذی الحجة سال ۷۸۷ هجری قمری آغاز کرده و در ۱۴ محرم سال ۷۸۸ به پایان برده است.^{۴۸} نسخه این اثر به خط ابن عتائق در خزانه غرویه موجود است و اکنون در قید تصحیح و طبع قرار دارد.

چنان که ملاحظه شد بیشتر آثار نصیرالدین کاشانی در زمینه علم کلام به رشته تحریر درآمده است. اگرچه به غیر از رساله کوتاه الذکات، سایر مکتوبات وی در علم کلام در قالب شرح و حاشیه قلمی شده است و نوشته مستقل مبسوطی از او در این حیطه سراغ نداریم، بررسی همین شروح و حواشی می تواند دیدگاه های خاص وی در این عرصه را بر ما آشکار نماید. کاشی نوآوری هایی هم در علم کلام داشته است، از جمله اینکه برهانی نوین بر اثبات واجب الوجود ارائه نموده که در نوشتاری دیگران را بررسی کرده ایم. چاپ آثار کلامی او به طور حتم زمینه را برای تحقیق بیشتر در اندیشه های کلامی وی هموار می کند و تأثیرگذاری او را بر متکلمان پس از خود، خاصه فخر المحققین و فاضل مقداد، آشکار می سازد.

۴۵. عاملی (شهید اول)، شمس الدین محمد بن مکی، غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد، ج ۱، ص ۲۳۰-۲۳۱: «وقد أمعن فضلاء العصر فی ایراد الشکوک علی هذا المعرف، وحاصلها سبعة عشر... وعرفها مورد أكثر هذه الأسئلة العلامة المحقق نصیرالدین علی بن محمد القاشی رحمه الله». ۴۶. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، حاشیة القواعد (فوائد القواعد)، ص ۱۳: «فاعلم أن العلامة نصیرالدین القاشی قد أورد علی تعریف المصنّف عشرین ایراداً، وأكثرها فی غایة الخوذة، والمحقق السعید الشهید زدها إلى سبعة عشر، وأجاب عنها أجمع بأجوبة متکلفة غالباً، و نحن نشیر إليها وإلى ما فیها و تکملها بما یمكن وروده علی التعریف طرداً و عکساً إن شاء الله».

۴۷. نگرید به: همان، ص ۱۳، ۲۰.

۴۸. طهرانی، شیخ آقابزرگ، الذریعة، ج ۴، ص ۱۰۶؛ و ج ۱۲، ص ۱۷.

کتابنامه

- آملی، سید حیدر؛ جامع الأسرار و منبع الأنوار؛ تصحیح: هنری کرین و عثمان اسماعیل یحیی؛ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، تهران: ۱۳۸۶.
- الأحسانی، ابن ابی جمهور؛ عوالی اللئالی؛ تحقیق: الحاج آقا مجتبی العزقی؛ قم: ۱۴۰۳ق.
- افندی اصفهانی، مولی عبدالله؛ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء؛ تحقیق: سیداحمد حسینی؛ منشورات مکتبة آیت الله العظمی المرعشی النجفی، قم: ۱۴۰۳ق.
- امین، سیدمحسن؛ أعیان الشیعة؛ دارالتعارف للمطبوعات، بیروت: ۱۴۰۳ق.
- جُبَاعی، شمس الدین محمد بن علی بن حسن؛ المجموعة؛ نسخة کتابخانه ملی ملک شماره ۶۰۴.
- حلی، حازم؛ الحلة و أثرها العلمی و الأدبی؛ المکتبة التاریخية المختصة، قم: ۱۴۳۲ق.
- حلی، حسن بن یوسف؛ معارج الفهم فی شرح النظم؛ مجمع البحوث الإسلامية، مشهد: ۱۳۸۸.
- خوانساری، محمدباقر؛ روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات؛ ج ۸، انتشارات اسماعیلیان (دهقان)، قم: ۱۳۹۰ق.
- درایتی، مصطفی؛ فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنا)؛ ج ۲۰، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: ۱۳۹۰.
- سبحانی و دیگران؛ موسوعة طبقات الفقهاء؛ مؤسسة الإمام الصادق (ع)؛ قم: ۱۴۱۸ق.
- سبحانی و دیگران؛ معجم طبقات المتکلمین؛ مؤسسة الإمام الصادق (ع)؛ قم: ۱۴۲۵ق.
- سیوری، فاضل مقداد؛ إرشاد الطالبین إلى نهج المسترشدين؛ تحقیق: سیدمهدی رجائی؛ انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، قم: ۱۴۰۵ق.
- شوشتری، قاضی نورالله؛ مجالس المؤمنین؛ ج ۷، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی؛ مشهد: ۱۳۹۲.
- صدر، حسن؛ تکملة أمل الأمل، محقق: حسینعلی ودباغ، عدنان و دباغ، عبدالکریم؛ ج ۶، دار المورخ العربی، بیروت: ۱۴۲۹ق.
- طباطبایی، سیدعبدالعزیز؛ مکتبة العلامة الحلی؛ إعداد: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم: ۱۴۱۶ق.
- طهرانی، شیخ آقابزرگ؛ طبقات أعلام الشیعة؛ ج ۱۷، دار إحياء التراث العربی، بیروت: ۱۴۳۰ق.
- همو؛ الذریعة إلى تصانیف الشیعة؛ ج ۲۶، دار الأضواء، الطبعة الثالثة، بیروت: ۱۴۰۳ق.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی؛ حاشیة القواعد (فوائد القواعد)؛ چاپ شده در: موسوعة الشهید الثانی، الجزء الخامس عشر، المركز العالی للعلوم و الثقافة الإسلامية، قم: ۱۴۳۴ق.
- عاملی (شهید اول)، شمس الدین محمد بن مکی؛ غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد؛ تحقیق: رضا المختاری؛ المساعدون؛ علی أكبر زمانی نژاد، علی مختاری، السید أبو الحسن المطلبي؛ مکتب الإعلام الإسلامي، قم: ۱۴۱۴ق.
- قمی، عباس؛ الکنی و الألقاب؛ مؤسسة النشر الإسلامي، قم: ۱۴۲۵ق.
- کحاله، عمرضا؛ معجم المؤلفین؛ دار إحياء التراث العربی، بیروت: ۱۳۷۶ق.
- مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ مؤسسة الوفاء، بیروت؛ الطبعة الثانية، ۱۴۰۳ق.
- مدزس تبریزی، محمدعلی؛ ریحانة الأدب؛ انتشارات خیام، چاپ چهارم، تهران: ۱۳۷۴.
- نعمه، شیخ عبدالله؛ فلاسفة شیعه؛ ترجمه سیدجعفر غضبان؛ تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷.
- نوری طبرسی، میرزا حسین؛ خاتمة مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ تحقیق: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم: ۱۴۱۵ق.